

## بررسی حقوقی آثار تعهدات پرداخت مجرد

فاطمه بهنام<sup>۱</sup>

**چکیده:** تعهدات مجرد ایقاعی است که به محض تشکیل، تعهدی لازم برعهده گشاینده ایجاد می‌شود. تا زمانی که گشاینده، وجه اعتبار را به ذی‌نفع نپرداخته است هیچ حقی در برابر ذی‌نفع ندارد. تعهد به بررسی اسناد، تعهد به رعایت دقت و حسن نیت، تعهد به اطلاع موارد عدم انطباق به ذی‌نفع و تعهد به پرداخت از تعهدات گشاینده در برابر ذی‌نفع و حقوق ناشی از نقض صحت، درستی، اصالت اسناد و عدم ارتکاب تقلب از یک طرف، حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت از یک طرف دیگر، از جمله حقوق گشاینده با پرداخت وجه اعتبار در برابر ذی‌نفع است. ذی‌نفع تا زمانی که وجه اعتبار را دریافت نکرده باشد هیچ تعهدی در برابر گشاینده یا بانک ثانوی ندارد. بدیهی است با ارائه اسناد و پرداخت وجه از ناحیه ذی‌نفع، تعهدات موصوف بر وی ثابت می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** تعهدات پرداخت مجرد، ذی‌نفع، گشایش اعتبار، بانک ثانوی.

### مقدمه

انسان در طول زندگی خود نیازهای متفاوتی دارد. جامعه نیز برای تکامل نیازهایی دارد که برای رفع آنها نهادهایی به وجود آمده است. انجام تجارت در جامعه نیز نیازمند لوازمی، از جمله سرعت، آسانی، امنیت و اعتبار است. در زمان‌های گذشته، نیازهای افراد برای پرهیز از خطر جابه‌جایی پول برای بازرگانانی که به کشورهای دور سفر می‌کردند موجب پیدایش نهاد حواله یا برات شد. امروزه نیازهای تجارت با نهاد تعهدات پرداخت مجرد قابل رفع می‌باشد. در تجارت، هرکسی می‌خواهد در برابر آنچه می‌دهد از طرف مقابل چیزی بگیرد. تمام سیاست‌های تجاری و اقتصادی به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری و دادوستدهای تجاری هستند، اما برای جلوگیری از آشفته‌گی در تجارت باید قواعد آن را شناخت و نظمی حقوقی بر آن حاکم کرد. خطر، نخستین

---

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول).

مفهوم مهم در حوزه تجارت است. در واقع می‌توان خطر را همزاد تجارت دانست. برای کاهش خطر در تجارت، باید آثار تعهدات پرداخت مجرد را شناخته و حقوق و تعهدات ذی‌نفع و گشاینده اعتبار در برابر یکدیگر را بررسی کرد تا از به وجود آمدن خطرات احتمالی در معاملات تجاری پیشگیری شود. این مقاله در صدد پاسخ به دو پرسش است:

۱. تعهدات و حقوق گشاینده در برابر ذی‌نفع اعتبار کدام است؟ تعهدات و حقوق ذی‌نفع در برابر گشاینده اعتبار چیست؟ کم‌تر حقوق‌دان ایرانی به تحقیق در مورد آثار تعهدات پرداخت مجرد پرداخته است. چندین کتاب و مقاله در مورد تعهدات پرداخت مجرد ترجمه و تالیف شده که برخی از ابعاد آثار تعهدات پرداخت مجرد را بررسی کرده است. از جمله می‌توان به کتاب *ضمانت نامه‌های بانکی در حقوق ایران و تجارت بین الملل* از علیرضا مسعودی، *حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی)* از ماشاءالله بنانیاسری، و مقاله «قابلیت ماهیت اعتبار در حقوق اعتبارات اسنادی» علیرضا نیکبخت اشاره کرد. در این مقاله آثار تعهدات پرداخت مجرد در دو بخش مهم (یک) حقوق و تعهدات گشاینده در برابر ذی‌نفع و (دو) حقوق و تعهدات ذی‌نفع در برابر گشاینده اعتبار مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱. تعهدات و حقوق گشاینده در برابر ذی‌نفع اعتبار

تعهدات مجرد، ایقاعی است که به محض تشکیل، تعهدی لازم برعهده گشاینده ایجاد می‌شود. تا زمانی که گشاینده، وجه اعتبار را به ذی‌نفع نپرداخته است، هیچ حقی در برابر ذی‌نفع ندارد (Pawlowic, 2001: 6). تعهد اصلی گشاینده در اثر گشایش اعتبار، تعهد پرداخت مبلغ اعتبار به ذی‌نفع است. سایر تعهدات، تعهدات فرعی‌ای هستند که برای اجرای همین تعهد اصلی، ذمه گشاینده را مشغول می‌کند (سلطان، ۱۳۹۰: ۱۶۴). به هر حال، تعهدات گشاینده در برابر ذی‌نفع شامل تعهد به بررسی اسناد، تعهد به رعایت دقت و حسن نیت، تعهد به اطلاع موارد عدم انطباق به ذی‌نفع، و نهایتاً تعهد به پرداخت است. در مقابل، حقوقی که گشاینده با پرداخت وجه اعتبار در برابر ذی‌نفع خواهد داشت، شامل حقوق ناشی از نقض صحت، درستی، اصالت اسناد و عدم ارتکاب تقلب از یک طرف، و حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت از طرف دیگر می‌باشد (بنانیاسری، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۴۵).

بنابراین، این مبحث را به دو بخش تقسیم می‌کنیم: (یک) تعهدات گشاینده در برابر ذی نفع؛ (دو) بررسی حقوق گشاینده در برابر ذی نفع.

### ۱-۱. تعهدات گشاینده در برابر ذی نفع اعتبار

با مطالعه مقررات مربوط به تعهدات مجرد می‌توان تعهداتی را که در اثر افتتاح اعتبار بر دوش گشاینده قرار می‌گیرد، شناسایی کرد. تعهدات گشاینده اعتبار، مطابق این مقررات (مجموعه قوانین و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP600)) شامل تعهد به بررسی اسناد، تعهد به اعمال دقت و رعایت حسن نیت در بررسی اسناد، تعهد به اعلام موارد عدم انطباق به ذی نفع، و در نهایت تعهد به پرداخت وجه اعتبار در صورت مطابقت ارائه با مفاد اعتبار است.

به هر حال، از آنجا که تعهد به پرداخت ثمن، تعهدی است که پس از بررسی اسناد و اعلام موارد عدم انطباق و رفع موارد اختلاف در اسناد به اجرا درمی‌آید، لذا بهتر است در مطالعه این تعهدات نیز این ترتیب رعایت شود و در ابتدا تعهد به بررسی اسناد و در پایان، تعهد به پرداخت وجه اعتبار مورد بررسی قرار گیرد (مسعودی، ۱۳۹۷: ۱۳۹).

براین اساس، مطالب این قسمت را طی چهار بند ارائه می‌دهیم: (یک) تعهد گشاینده به بررسی اسناد؛ (دو) لزوم اعمال دقت و رعایت حسن نیت در بررسی اسناد؛ (سه) تعهد گشاینده به اعلام موارد عدم انطباق ارائه با مفاد اعتبار با ذی نفع؛ (چهار) تعهد گشاینده به پرداخت وجه اعتبار.

#### ۱-۱-۱. تعهد گشاینده به بررسی اسناد

پیش از ایفای تعهد اعتبار گشاینده در تعهدات پرداخت مجدد، بانک باید به بررسی اسناد پرداخته و مطابقت ظاهری آنها را با مفاد اعتبار، احراز کند (رفیعی، ۱۳۹۴: ۴۲). در واقع، زمانی می‌توان اسناد را منطبق با مفاد اعتبار دانست که از حیث شکل و محتوا، دقیقاً همان چیزی باشد که در اعتبار خواسته شده و حتی باید از جهت زمان ارائه، شخص ارائه دهنده و مکان ارائه نیز منطبق با مفاد اعتبار باشد. بنابراین، بهتر است به جای عبارت «اسناد منطبق با اعتبار» عبارت «ارائه منطبق با اعتبار» که در مقررات موضوعه راجع به تعهدات پرداخت مجدد (مجموعه قوانین و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP600)) هم دیده می‌شود، به کار برد.

در کنار اصل استقلال اعتبار، «دکترین لزوم انطباق ارائه با مفاد اعتبار» یکی دیگر از اصول بنیادین تعهدات مجرد می‌باشد. در اصل استقلال اعتبار، از منافع ذی نفع اعتبار بحث می‌شود، اما،

توجه اصل «دکترین انطباق ارائه با مفاد اعتبار»، حمایت از منافع متقاضی می‌باشد. اصل استقلال اعتبار، زمینه‌ساز اصل پذیرش دکترین انطباق ارائه با مفاد اعتبار می‌باشد.

این زمینه‌سازی به این صورت است که در بستر اصل استقلال اعتبار، تعهد بانک از بررسی و بازرسی کالا تبدیل به تعهد به بررسی و تطبیق اسناد می‌شود. اصل استقلال اعتبار و اصل انطباق ارائه با مفاد اعتبار، مکمل یکدیگرند: اگر بانک گشاینده اعتبار و هم‌چنین بانک ثانوی متعهد شده‌اند که در بررسی و مطابقت اسناد در معامله پایه ورود نکنند (اصل استقلال تعهدات مجرد از معامله پایه) پس فقط تنها راه احراز ایفا یا تخلفات ذی‌نفع از تعهداتش، همان ارائه اسناد از سوی او می‌باشد.

در نتیجه، خلأیی که در اثر اصل استقلال اعتبار ایجاد می‌شود، با اصل انطباق اسناد با مفاد اعتبار از بین می‌رود. بنابراین، بانک به صورت غیر مستقیم، ایفای تعهدات ذی‌نفع را که ناشی از معامله پایه می‌باشد بررسی می‌کند. به این معنا که بانک فقط ظاهر اسناد را بررسی می‌کند و هیچ وظیفه‌ای نسبت به تحقیق در مورد صحت و سقم واقعیات خارجی تعهدات ناشی از معامله پایه ندارد. در حقیقت، اصل انطباق دقیق اسناد بروز آثار ناعادلانه اصل استقلال اعتبار از معامله پایه جلوگیری می‌کند. به بیان دیگر، اصل انطباق اسناد با اعتبار و اصل استقلال اعتبار همان‌طور که مکمل یکدیگر هستند، موجب تعدیل نتایج ناعادلانه یکدیگر می‌شوند (بنانیاسری، ۱۳۹۵: ۴۴۷).

## ۲-۱-۱. لزوم اعمال دقت و رعایت حسن نیت در بررسی اسناد

گشاینده اعتبار یا بانک‌های ثانوی‌ای که با آن در ارتباط هستند، باید با دقت اسناد را بررسی نموده و حسن نیت را رعایت کنند تا از تطبیق اسناد برحسب صورت ظاهر با مفاد اعتبار یقین حاصل کنند. صداقت در عمل و رعایت معیارهای عاقلانه در معامله مربوطه را «حسن نیت» می‌گویند. گشاینده نمی‌تواند خود را از مسئولیت عدم رعایت حسن نیت یا مسئولیت ناشی از نقضی فاحش معاف کند.

تعهد بانک گشاینده به دریافت اسناد به ظاهر منطبق، تعهد به نتیجه به نظر می‌آید، نه تعهد به اعمال مراقبت (تعهد به وسیله). بنابراین، از زمانی که بانک گشاینده، اسناد را منطبق با اعتبار تشخیص دهد و آنها را از ذی‌نفع می‌پذیرد، در برابر متقاضی اعتبار «مطابقت ظاهری» اسناد با مفاد اعتبار را تضمین کرده است و اگر عدم انطباق ظاهری اسناد کشف شود به معنای تخلف بانک از تعهد است.

### ۳-۱-۱. تعهد گشاینده به اعلام موارد عدم انطباق ارائه با مفاد اعتبار به ذی نفع

اگر ارائه منطبق با مفاد اعتبار باشد، گشاینده تکلیف به ایفای تعهد اعتبار دارد، اما اگر ارائه از نظر بانک گشاینده با اعتبار منطبق نباشد، گشاینده ارائه نمی‌پذیرد و آن را رد می‌کند. زمانی که بانک متوجه عدم تطبیق اسناد شد، مکلف است تمام موارد عدم انطباق را به ارائه کننده (ذی نفع) اطلاع دهد؛ یعنی گشاینده در این موارد متعهد به دادن «اطلاعیه عدم انطباق»<sup>۱</sup> به ارائه کننده اسناد است و اگر این تعهد را انجام ندهد، ضمانت اجرای شدیدی مانند از دست دادن حق استناد به عدم انطباق مزبور را در پی دارد (نیکبخت و بنایاسری، ۱۳۹۰: ۳۶۷).

اطلاعیه عدم انطباق و علت رد اسناد و ذکر موارد عدم انطباق به این دلیل اهمیت دارد که مطلع شدن ذی نفع از این مسأله، این فرصت را به او می‌دهد (ذی نفع اعتبار) که پیش از انقضای مدت اعتبار، موارد عدم انطباق را رفع کرده و اسناد را دوباره ارائه دهد. (Schmitthff, 1987: 103).

### ۴-۱-۱. تعهد گشاینده به پرداخت وجه اعتبار

مهم‌ترین تعهد گشاینده، پرداخت وجه اعتبار می‌باشد که تعهدات پیشین، مقدمه اجرای این تعهد است. تعهد به پرداخت مبلغ اعتبار، اصلی‌ترین تعهد گشاینده است که در حقیقت اعتبارنامه برای ایفای آن تشکیل شده است (رفیعی، ۱۳۹۴: ۶۵). در خصوص پرداخت وجه اعتبار دو مسأله قابل بررسی است: (الف) نحوه ایفای تعهد اعتبار، و (ب) ضمانت اجرای تخلف گشاینده از ایفای تعهد پرداخت.

#### الف. نحوه ایفای تعهد گشاینده به پرداخت

در صورت انطباق ارائه با مفاد اعتبار، گشاینده، متعهد به ایفای اعتبار است. پرداخت وجه اعتبار فقط برعهده بانک گشاینده اعتبار و بانک تأیید کننده اعتبار است و سایر بانک‌های ثانوی درگیر در تعهدات مجرد، ممکن است فقط برای پرداخت وجه اعتبار به ذی نفع اذن داشته باشند، و در این خصوص تعهدی برعهده ندارند. ایفای تعهد اعتبار باید در همان زمان و همان مکان مشخص شده در اعتبار و با ارز مذکور در اعتبار صورت گیرد.

## ب. ضمانت اجرای تخلف گشاینده از ایفای تعهد اعتبار

هیچ مطلبی از ضمانت اجرای تخلف گشاینده از ایفای تعهد اعتبار در هیچ‌یک از مقررات و متون راجع به تعهدات مجرد وجود ندارد. در نتیجه، در اعتبارنامه‌ها این قانون ملی حاکم بر اعتبارنامه است که ضمانت اجرای تخلف از انجام تعهد اعتبار را معین می‌کند. نظام ضمانت اجرای تخلف از ایفای تعهدات پرداخت مجرد، در چهارچوب قواعد عمومی قراردادها تعیین می‌شود (Roy, 2001: 3).

## ۲-۱. حقوق گشاینده در برابر ذی نفع

تعهدات پرداخت مجرد به معنای خاص، عمل حقوقی یک‌جانبه (ایقاع) می‌باشد که فقط گشاینده را در برابر ذی نفع متعهد می‌سازد. بنابراین، ذی نفع که تنها متعهدله این رابطه است در برابر گشاینده تعهدی برعهده ندارد تا با نقض آن، ملزم به اعطای حقوقی به گشاینده شود. این مسأله تا زمانی صادق است که اسناد مذکور در اعتبار ارائه نشده و وجه اعتبار از طرف ذی نفع اخذ نشده باشد (وکیل‌زاده ثانی، ۱۳۸۷: ۹۱).

با ارائه از طرف ذی نفع و دریافت وجه اعتبار توسط او، ذی نفع تضمیناتی را به حکم قانون در برابر گشاینده و سایر اشخاص برعهده می‌گیرد که دارای ماهیت تعهد است، به طوری که نقض آنها مسئولیت ذی نفع را در پی دارد. در واقع، گشاینده با پرداخت وجه اعتبار، دینی را ایفا کرده که با توجه به ماهیت استقلالی تعهد مجرد، دین خود او بوده است، اما در حقیقت، دین دیگری را پرداخته و این حق را دارد که برای مطالبه بازپرداخت وجه اعتبار به متقاضی رجوع کند. مطابق قاعده، هرگاه شخصی دین دیگری را بپردازد، اگر این پرداخت با اذن مدیون اصلی باشد هم دارای حقوقی می‌گردد که طلب کار در برابر مدیون اصلی داشته، و هم حقوقی به او تعلق می‌گیرد که مدیون اصلی در برابر طلب کار داشته است. به حقوقی که پرداخت کننده ماذون به این صورت به دست می‌آورد، حقوق ناشی از «قائم مقامی در پرداخت»<sup>۲</sup> می‌گویند.

بنابراین، با اعمال نظریه قائم مقامی در پرداخت در قلمرو تعهدات مجرد، ممکن است گشاینده اعتبار، همان حقوقی را که متقاضی اعتبار براساس قرارداد پایه در برابر ذی نفع داشته دارا گردد. به علاوه، ممکن است گشاینده با پرداخت وجه اعتبار به ذی نفع، قائم مقام حقوقی ذی نفع در برابر متقاضی شود (نصیری اقدم، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

جدا از حقوقی که گشاینده در اثر قائم مقامی در پرداخت در برابر ذی نفع و حقوقی که به دلیل نقض تضمین‌هایی که ذی نفع برعهده گرفته است، دارد، می‌توان از حقوق مطالبه بازپرداخت و حق وثیقه گشاینده بر اسناد صحبت کرد. حق وثیقه‌ای که گشاینده با پرداخت وجه اعتبار و دریافت اسناد حمل به دست می‌آورد از حقوق گشاینده در برابر متقاضی اعتبار است، زیرا زمانی که ذی نفع اعتبار، مبلغ را دریافت و اسناد را به گشاینده تحویل می‌دهد، اسناد حق متقاضی اعتبار است و ذی نفع دیگر حتی بر اسناد ندارد تا به گشاینده منتقل کند (وکیل زاده ثانی، ۱۳۸۷: ۹۴).

با وجود آنکه حق گشاینده به مطالبه بازپرداخت، و حق وثیقه‌ای که گشاینده بر اسناد و کالای موضوع اسناد می‌یابد، حقوقی است که گشاینده براساس قرارداد تقاضای اعتبار در برابر متقاضی تحصیل می‌کند، از آنجایی که حقوق گشاینده (مطالبه بازپرداخت و حق وثیقه) حقوقی است که طبق قرارداد تقاضای اعتبار متقاضی به وجود می‌آید، اما ایجاد این حقوق برای گشاینده، معلق بر ایفای صحیح تعهد گشاینده در برابر ذی نفع است (سلطان، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

بنابراین، باید مباحثی را در ادامه مورد بررسی قرار دهیم: (یک) حقوق ناشی از نقض تضمین ذی نفع، (دو) حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت، (سه) حق مطالبه بازپرداخت، (چهار) حق وثیقه گشاینده بر اسناد و کالای مذکور در اسناد.

### ۱-۲-۱. حقوق ناشی از نقض تضمین ذی نفع

با پرداخت وجه اعتبار، اصل بر نهایی بودن پرداخت و عدم امکان استرداد وجه پرداختی است. حقوق گشاینده به جهت نقض تضمینات ذی نفع و حقوق او در اثر قائم مقامی در پرداخت، دو استثنا بر این اصل است (وکیل زاده ثانی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

با توجه به اینکه اصل استقلال اعتبار تا زمانی است که پرداخت صورت نگرفته و نقض تعهد تضمین و حقوق قائم مقامی در پرداخت پس از پرداخت وجه اعتبار می‌باشد، این دو دسته قواعد در این مرحله با اصل استقلال اعتبار تعارضی ندارند (Barnes & Byrne, 2002:1456).

در تعهدات پرداخت مجرد، ذی نفع اعتبار، نسبت به اسنادی که تحویل می‌دهد و اظهارات او، این اسناد، امر یا اموری را تضمین می‌کند. یکی از تعهداتی که ذی نفع اعتبار برعهده دارد، تعهد به درستی و اصالت سند است. این تعهد، در انتقال و ارائه سند برعهده ذی نفع است. وجود چنین تعهدی برای ذی نفع، برای گشاینده اعتبار هم موجب ایجاد حق (ضمانت اجرا) می‌شود. طبق اصل استقلال اعتبار، تضمیناتی که بایع در عقد بیع در برابر خریدار برعهده دارد، با تضمیناتی که ذی نفع

در برابر متعهد لهم (از جمله گشاینده) دارد، متفاوت است. متعهدله در تضمین‌های عقد بیع، فقط خریدار، ولی متعهدله تضمین‌های اعتبار، تمام اشخاص مرتبط با اسناد و دارای نفع می‌باشند. عیوب در اسناد ارائه شده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. عیوب ظاهر، ۲. عیوب پنهان.

ذی‌نفع، عیوب پنهانی اسناد را تضمین می‌کند و با دریافت وجه اعتبار، هیچ مسئولیتی نسبت به فقدان عیوب ظاهری (عدم انطباق) اسناد ندارد. بنابراین، اگر پس از پذیرش اسناد و پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع، عیوب ظاهری اسناد (عدم انطباق اسناد) احراز شود، گشاینده حق مراجعه به ذی‌نفع را ندارد، زیرا، ذی‌نفع، فقدان عیوب ظاهری اسناد را تضمین نکرده است (نصیری اقدم، ۱۳۹۶: ۱۵۱). این گشاینده است که باید عیوب ظاهری اسناد را کشف کند. در تمام مقررات در زمینه تعهدات مجرد، این گشاینده است که باید اسناد را بررسی کند تا تطبیق اسناد بر حسب ظاهر با مفاد اعتبار را تشخیص دهد بانک مسئول مطابقت اسناد با واقع (فقدان عیوب پنهانی در اسناد) نیست.

حقوق، به جای آنکه گشاینده را مسئول بررسی مطابقت واقعی و ظاهری اسناد (احراز فقدان عیوب پنهان و ظاهر در اسناد) بدانند، راه دیگری یافته است.

تعهدات پرداخت مجرد، به جای آنکه مسئولیت بررسی عیوب پنهانی اسناد (جعلیت و تزویر، وجود یا فقدان ارزش حقوقی برای سند و غیره) را برعهده بانک بگذارد و کارکرد این ابزار مهم را کاهش دهد، مسئولیت فقدان عیوب پنهانی در اسناد را برعهده ذی‌نفع گذاشته است. این مسئولیت زمانی برعهده ذی‌نفع اعتبار قرار می‌گیرد که او وجه اعتبار را دریافت کرده باشد. بنابراین، احراز مطابقت ظاهری اسناد برعهده گشاینده و مطابقت واقعی اسناد (فقدان عیوب پنهانی) برعهده ذی‌نفع می‌باشد (شهبازی نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

تعهد گشاینده برای کشف عیوب ظاهری اسناد، تعهد به نتیجه می‌باشد. بنابراین، اگر گشاینده اعتبار وجه اعتبار را در برابر صورت حسابی پردازد که به درستی توصیف نشده است، در برابر مشتری خود (متقاضی اعتبار) مسئول است. (Dolan, 1986: 347) اما اگر گشاینده اعتبار با حسن نیت (جهل از واقع) وجه اعتبار را در برابر صورت حساب تقلبی پرداخته باشد که از ظاهر سند قابل مشاهده نیست، مسئول نخواهد بود؛ زیرا این امور از عیوب پنهانی سند است که گشاینده مسئول آن نیست. در واقع، تضمین عیوب پنهانی به ما می‌گوید که رسیدگی به اختلاف راجع به عیوب



پنهانی اسناد (تقلب در معامله پایه، جعل و تزویر) باید پس از اینکه پرداخت صورت گرفت، رسیدگی شود. لذا تعهد تضمین، مانع کارکرد صحیح تعهدات پرداخت مجرد نیست. وجود نهاد «تضمین قانونی عیوب پنهانی اسناد» که ذی نفع را پس از تسلیم اسناد و دریافت وجه اعتبار مسئول می‌کند، علاوه بر اینکه امنیت و سرعت پرداخت را که ویژگی‌های مهم تعهدات مجرد می‌باشد نشان می‌دهد، ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه را هم مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، تعهدات پرداخت مجرد، پرداخت سریع و مطمئن وجه اعتبار را تضمین می‌کند، نه پرداخت نهایی را. بنابراین، پرداخت اگر چه سریع و مطمئن است، اما در مواردی امکان دارد وجه پرداختی، بازپس گرفته شود.

## ۲-۱. حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت

دومین استثنا بر اصل نهایی بودن پرداخت وجه اعتبار، حقوقی است که برای گشاینده با پرداخت وجه اعتبار طبق نظریه قائم مقامی در پرداخت به وجود می‌آید، و به قائم مقامی از متقاضی اعتبار، به ذی نفع مراجعه می‌نماید. در حقوق خصوصی، قائم مقامی دو نوع است: (یک) قائم مقامی به سبب انتقال مال یا حقی از شخصی به شخص دیگر؛ (دو) قائم مقامی به دلیل پرداخت دین دیگری (قائم مقامی در پرداخت).

قائم مقامی نوع دوم که گاهی آن را «حق رجوع» می‌گویند، موضوع بحث در تعهدات پرداخت مجرد است. قاعده‌ای وجود دارد که هنگامی که شخصی دین مدیون اصلی (دین دیگری) را با اذن یا قراردادی که با مدیون اصلی دارد، از دارایی‌های خود پرداخت کند، هم حق مطالبه بازپرداخت را از مدیون اصلی دارد و هم «حق قائم مقامی در پرداخت». به این معنا که برای استیفای طلب خود از مدیون اصلی، قائم مقام طلب کار سابق نسبت به حقوقی می‌شود که طلب کار سابق (دریافت کننده وجه) در برابر مدیون اصلی داشته است. این حق با حق مطالبه بازپرداخت از مدیون اصلی متفاوت است. مصداق بارز حق قائم مقامی در پرداخت، در عقد ضمان و قراردادهای بیمه دیده می‌شود.

در عقد ضمان، شخصی که با اذن مدیون اصلی دین او را ضمانت می‌کند با پرداخت دین او، قائم مقام حقوق طلب کار در برابر مدیون اصلی می‌شود. این حق قائم مقامی برای جلوگیری از دارا شدن غیر عادلانه مدیون اصلی جلوگیری می‌کند و طبق این اصل، تعهد بر ذمه مدیون اصلی می‌باشد (White, 1996: 41).

دیدگاه سنتی، حق قائم مقامی در پرداخت در قلمرو تعهدات پرداخت مجرد را به رسمیت نمی‌شناخت و بر آن بود که قائم مقامی مربوط به تعهدات ثانوی است و تعهدات مجرد تعهدی اصلی و مستقل است.

به عبارت دیگر، اشکال این بود که در واقع با حق قائم مقامی «دین دیگری» پرداخته می‌شود و تعهد آن از نوع تعهد «ثانوی» می‌باشد، ولی از آنجایی که تعهد گشاینده اعتبار اصلی و مستقل است «دین خود» را ایفا می‌کند. بنابراین، وصف «اصلی بودن» و «مستقل بودن» تعهد گشاینده مانع حق قائم مقامی برای گشاینده می‌شود. به نظر می‌رسد بین مفهوم «متعهد اصلی» و «مدیون واقعی» اشتباه شده است. گشاینده، متعهد اصلی تعهد ناشی از اعتبار می‌باشد، اما او «مدیون واقعی» این دین نیست، بلکه متقاضی اعتبار «مدیون واقعی» است و آنچه مانع پذیرش حق قائم مقامی در پرداخت می‌شود آن است که دین توسط «مدیون واقعی» پرداخت شده باشد. بنابراین، نباید مفهوم «متعهد اصلی» را با «مدیون واقعی» اشتباه گرفت (آقای فر، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

وصف «تعهد اصلی» به این مسأله اشاره دارد که جهت ایجاد امنیت و اطمینان پرداخت نزد طلبکار (ذی نفع اعتبار)، تعهد، وصفی مستقل و مجرد به خود گرفته است، نه آنکه چنین متعهدی واقعاً مدیون آن دین بوده باشد.

مفهوم «اصلی بودن» تعهد گشاینده حسب مورد، معنای متفاوتی دارد. گاه گفته می‌شود تعهد گشاینده در برابر ذی نفع، تعهدی اصلی است. اصلی بودن تعهد گشاینده در برابر ذی نفع به این معناست که طلبکار (ذی نفع اعتبار) برای مطالبه وجه از گشاینده نیاز نیست ابتدا به مدیون اصلی (خریدار یا همان متقاضی اعتبار) مراجعه کند و در صورت عدم پرداخت وجه از طرف مدیون اصلی، ناچار شود به گشاینده مراجعه کند.

هم چنین اصلی بودن تعهد گشاینده، در رابطه میان گشاینده و ذی نفع، به این معناست که تعهد گشاینده اعتبار، از تعهد متقاضی اعتبار گرفته نشده است. بنابراین، گشاینده اعتبار نمی‌تواند به دفاعیات متقاضی اعتبار طبق قرارداد پایه در برابر ذی نفع، استناد کند. از اصلی بودن تعهد، در رابطه میان گشاینده و متقاضی اعتبار هم صحبت می‌شود. در این حالت، «اصلی بودن» تعهد، معنای متفاوت با مطالب فوق دارد (نیکبخت و بنانیاسری، ۱۳۹۰: ۳۸۱).

در اینجا، اصلی بودن به معنای «مدیون واقعی بودن» به کار می‌رود. در حالی که متعهد اصلی، در رابطه متعهدان پرداخت (گشاینده و خریدار) و طلبکار (ذی نفع اعتبار)، گشاینده اعتبار است.

در رابطه میان خود متعهدان پرداخت (متقاضی و گشاینده اعتبار) متقاضی اعتبار «متعهد اصلی» به معنای «مدیون واقعی» می‌باشد.

با پرداخت وجه اعتبار از سوی گشاینده، از یک طرف، دینی را که خودش متعهد اصلی آن است، ایفا می‌کند و از طرفی دیگر با این پرداخت، دین متعهد اصلی (یعنی مدیون واقعی) آن، که شخصی غیر از بانک گشاینده اعتبار است نیز ساقط می‌شود.

بنابراین، با دقت در معنای «تعهد اصلی»، درمی‌یابیم که گشاینده اعتبار، مدیون واقعی دینی که پرداخته نیست، و سقوط آن دین از دارایی بانک گشاینده به وی حق قائم مقامی نسبت به حقوقی ذی‌نفع در برابر متقاضی می‌دهد.

به طور خلاصه، در قلمرو تعهدات پرداخت مجرد، مفهوم متعهد اصلی و متعهد ثانوی با توجه به اینکه در کدام یک از دو رابطه (رابطه بانک متعهد با طلب کار یا رابطه میان خود متعهدها) به کار رفته، معنای متفاوتی دارد.

در قلمرو تعهدات پرداخت مجرد، هنگامی که گفته می‌شود تعهد گشاینده اعتبار تعهدی اصلی (اولی) است، مقصود پیش از پرداخت است. آثار اصلی بودن تعهد در این دوره، آن است که آنچه باعث تعهد بانک می‌شود، ارائه اسناد است نه احراز وقایع خارجی، اما قائم مقامی پرداخت پس از پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع به وجود می‌آید. پس از پرداخت، دیگر رابطه میان متعهدها مطرح می‌شود. در این مرحله، اصطلاحات «اولی» و «ثانوی» معنایی متفاوت با آنچه در مرحله پیش از پرداخت بیان شد، دارد. در این مرحله، مقصود از «متعهد اولی» کسی است که دین در نهایت بر ذمه او می‌باشد. در این مرحله، برای تشخیص متعهد اصلی یا ثانوی بودن بانک گشاینده اعتبار، باید به این نکته دقت کرد که شرط اعمال نظریه قائم مقامی این است که ایفای دین از طرف متعهدی صورت گرفته باشد که متعهد اصلی نیست. در رابطه میان متعهدها، یک مدیون (متعهد) قائم مقام حقوق طلب کار در مراجعه به متعهد دیگر می‌شود (Boss, 1993: 1117).

پذیرش حق قائم مقامی در پرداخت برای گشاینده اعتبار، با اصل استقلال اعتبار در تعارض نمی‌باشد، زیرا حق قائم مقامی در پرداخت مربوط به مرحله پس از پرداخت است که دیگر در آن مرحله به اصل استقلال نیاز نیست. به طور خلاصه، در رد نظری که قائم مقامی در پرداخت را در تعهدات مجرد در تعارض با اصل استقلال می‌دانند، باید گفت که یکی از شرایط نظریه قائم مقامی در پرداخت آن است که وجه توسط غیر مدیون با اذن مدیون اصلی «پرداخت شده باشد»، و چون

با پرداخت وجه اعتبار، دیگر اصل استقلال بی معنا می شود، پس نمی توان قائم مقامی را معارض با تعهدات مجرد دانست و نظریه قائم مقامی در پرداخت در تعهدات مجرد، هیچ تأثیر منفی ای بر کارایی اقتصادی و فواید تجاری تعهدات مجرد ندارد.

پس از اثبات اینکه اصل نظریه قائم مقامی در پرداخت در قلمرو تعهدات پرداخت مجرد قابل پذیرش است، در زمینه قائم مقامی در پرداخت در تعهدات مجرد، لازم است چند نکته ذکر شود: (یک) قائم مقامی در روابط مختلفی دیده می شود: قائم مقامی گشاینده بر حقوق ذی نفع طبق قرارداد پایه در برابر متقاضی، قائم مقام گشاینده بر حقوق متقاضی اعتبار در برابر ذی نفع اعتبار، قائم مقامی بانک تأییدکننده بر حقوق گشاینده در برابر هر یک از متقاضی یا ذی نفع اعتبار، و حق قائم مقامی متقاضی پس از آنکه وجه اعتبار را به گشاینده بازپرداخت برای استفاده حقوق گشاینده در برابر ذی نفع.

حقوق قائم مقامی گشاینده اعتبار را به دو دسته می توان تقسیم کرد: (یک) موردی که گشاینده در پی قائم مقامی ذی نفع در مراجعه به متقاضی اعتبار است؛ (دو) گشاینده، قائم مقام متقاضی در رجوع به ذی نفع می شود (McCormack, 2000: 121).

حق قائم مقامی در پرداخت، از نظر گشاینده اعتباری که متعهد به پرداخت وجه اعتبار است، منفک از حق مطالبه بازپرداخت و مکمل آن است، و زمانی که حق مطالبه بازپرداخت بانک را به طلب خود نمی رساند، گشاینده از حق قائم مقامی استفاده می کند (Dolan, 1999: note 1213) (دو) مسأله دیگر آن است که گشاینده در چه حقوقی قائم مقام دیگری (ذی نفع یا متقاضی) می شود؟ در پاسخ باید گفت که گشاینده اعتبار هم در «حقوق ناشی از معامله پایه»، و هم در «حقوق مربوط به معامله پایه» قائم مقام شخصی می شود که حقوق او را از راه قائم مقامی اعمال می کند (Dolan, 1999: note 1213).

### ۳-۲-۱. حق مطالبه بازپرداخت

یکی دیگر از حقوق گشاینده که با ایفای تعهد اعتبار برای او ایجاد می شود، حق مطالبه بازپرداخت وجه اعتبار از طرف متقاضی است. منشأ این حق، قرارداد بازپرداختی است که بین متقاضی و گشاینده منعقد شده است و در برابر متقاضی ایجاد می شود.

این حق، معلق به ایفای صحیح تعهد اعتبار در برابر ذی‌نفع است که به اجمال به آن می‌پردازیم. تعهد متقاضی به بازپرداخت تعهدی معلق است و معلق‌علیه آن پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع، مطابق چیزی است که میان گشاینده و متقاضی توافق شده است (مسعودی، ۱۳۹۷: ۷۷). زمانی که گشاینده، با وجود عدم مطابقت ظاهری اسناد، وجه اعتبار را به ذی‌نفع بپردازد، ممکن است پرداخت او به ذی‌نفع صحیح و غیر قابل استرداد باشد، اما گشاینده به جهت تخلف از قرارداد گشایش اعتبار، حق مطالبه بازپرداخت بخش یا تمام مبلغ پرداختی را از متقاضی اعتبار ندارد (بنانیاسری، ۱۳۹۵: ۶۳۰).

#### ۴-۲-۱. حق وثیقه گشاینده بر اسناد و کالای مذکور در اسناد

در تعهدات مجرد با پرداخت وجه اعتبار و به تصرف گرفتن اسناد ارائه شده حق وثیقه به وجود می‌آید. ایجاد حق وثیقه بر اسناد و کالا برای گشاینده فقط در تعهدات مجرد تجاری قابل تصور است، زیرا اسناد مورد ارائه در این نوع اعتبار دارای ارزش مالی می‌باشد و معرف حقوق مالی دارنده اسناد بر کالا (وکیل‌زاده ثانی، ۱۳۸۷: ۵۶) می‌باشند. اما سند یا اسناد ارائه شده در اعتبارنامه تضمینی دارای ارزش مالی نیستند و چون فقط مال را می‌توان وثیقه گذاشت ایجاد حق وثیقه بر این نوع از اسناد، منتفی می‌شود. وثیقه بودن اسناد مالکیت کالا، پشتوانه تعهدات پرداخت مجرد می‌باشد. بانکی که به درخواست مشتری افتتاح اعتبار می‌کند، نگران بازپرداخت مبلغی است که طبق اعتبار باید بپردازد. وثیقه‌ای که در اثر تصرف اسناد مالکیت کالای موضوع قرارداد پایه برای بانک فراهم می‌شود، نقش فرعی دارد، ولی وجود این وثیقه برای بانک ضروری است تا بتواند وجهی را که طبق اعتبار پرداخته است، را بازگرداند.

#### ۲. حقوق و تعهدات ذی‌نفع اعتبار در برابر گشاینده

تعهدات پرداخت مجرد به معنای خاص، ایقاع است. ایقاعی که به موجب آن گشاینده با اراده یک‌جانبه خویش در برابر ذی‌نفع متعهد می‌شود. در اینجا، ذی‌نفع، متعهدله است و با تعهد گشاینده، تعهدی برای او ایجاد نمی‌شود (Ward, 2001:138) تا اینکه ذی‌نفع اسناد را ارائه داده و مبلغ اعتبار را دریافت می‌کند. با ارائه اسناد از سوی ذی‌نفع، و پرداخت وجه به او، تعهداتی بر ذی‌نفع تحمیل می‌شود. تعهداتی که بعد از دریافت وجه برعهده ذی‌نفع قرار می‌گیرد، «تضمینات

ذی‌نفع» می‌باشد. به عبارت دیگر، ذی‌نفع تا زمانی که وجه اعتبار را دریافت نکرده است، هیچ تعهدی به سبب تعهدات مجرد در برابر گشاینده یا بانک‌های ثانوی ندارد. ذی‌نفع، متعهدله التزام مالی‌ای است که گشاینده به ارادهٔ یک‌جانبهٔ خود برعهده گرفته است. تعهد گشاینده اعتبار، التزامی معلق است که تنها در صورت تحقق معلق‌علیه مقرر در اعتبار، تعهدی قابل اجرا می‌باشد. معلق‌علیه تعهد گشاینده ممکن است ارائه اسناد مشخص یا صرف مطالبه از سوی ذی‌نفع باشد.

حقوق مالی‌ای را که ذی‌نفع با تشکیل اعتبار به دست می‌آورد به «حق مالکیت طلب» و «اختیار ارائه اسناد» می‌توان تقسیم کرد. با گشایش اعتبار، ذی‌نفع، مالک طلبی می‌شود که در اثر گشایش اعتبار به نفع او ایجاد شده است. هرچند تا پیش از وقوع معلق‌علیه اعتبار، این طلب، طلبی معلق باشد. ذی‌نفع اعتبار به عنوان مالک طلب می‌تواند هر تصرفی را در ملک خود انجام دهد. مثلاً، ذی‌نفع می‌تواند مالکیت طلب را به دیگری واگذار کند یا اگر در حقوق کشوری رهن طلب پذیرفته شده باشد، طلب ناشی از اعتبار را نزد دیگری رهن بگذارد. لازم به ذکر است که معلق بودن طلب، مانع تصرفات ناقله و به وثیقه گذاشتن آن نیست. در این صورت مالک بعدی طلب (انتقال گیرنده طلب) یا مرتهن در برابر مدیون (بانک گشاینده) حقی بیش از خود ذی‌نفع نخواهند داشت؛ یعنی تا زمان تحقق معلق‌علیه اعتبار، طلب نسبت به ایشان نیز طلب معلق می‌باشد (نیکبخت و بنانیاسری، ۱۳۹۰: ۴۰۱). در هر حال، در ساز و کار تعهدات مجرد، برخلاف اسناد تجاری به معنای خاص، ایفای تعهد بانک (پرداخت وجه اعتبار)، منوط به انجام عمل مشخصی (ارائه اسناد مقرر در اعتبار یا صرف مطالبه) از سوی ذی‌نفع اعتبار است. حال در اینکه ذی‌نفع اعتبار و نماینده او حق دارد که اسناد مقرر را به بانک ارائه دهد، شکی نیست. بحث اساسی در تصرفات ناقله می‌باشد. در تصرفات ناقله، انتقال «اختیار ارائه اسناد» تنها در قالب «انتقال اعتبار» مجاز است. با انتقال اعتبار، علاوه بر اینکه منتقل‌آلیه مالک طلب ناشی از اعتبار می‌شود، وی اختیار تهیة اسناد و ارائه آنها به گشاینده برای مطالبه وجه اعتبار را نیز به دست می‌آورد. در صورت تخلف گشاینده از تعهد اعتبار، ذی‌نفع به موجب قانون حاکم بر تعهدات مجرد، حقوق و ضمانت اجرایی مانند الزام به انجام عین تعهد یا حق مطالبه خسارت را در برابر گشاینده دارد (کاشانی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۳).

از آنجا که تعهدات گشاینده اعتبار، همان حقوق ذی‌نفع اعتبار است و تعهدات ذی‌نفع هم حقوق گشاینده اعتبار به حساب می‌آید، به دلیل بررسی تعهدات گشاینده در مبحث قبل، دیگر نیازی به تکرار آن مطالب نیست (Ward, 2001: note 1694, at 140). نکته‌ای که باید به آن

توجه کرد این است که ذی‌نفع، حق ارائه جزئی وجه اعتبار را دارد. روشن است که همچنان که هر طلب‌کاری حق دارد تمام طلب خود را دریافت دارد، می‌تواند جزئی از آن طلب را هم دریافت کند، بی‌آنکه موافقت یا مخالفت بدهکار شرط باشد. در پرداخت جزئی طلب، شاید موافقت طلب کار شرط باشد، اما موافقت بدهکار شرط نیست.

اهمیت این مطلب، یعنی امکان برداشت جزئی مبلغ اعتبار، در جایی است که ارائه اسناد راجع به اجرای تعهدات عقد پایه بیع، یعنی ارسال مبیع نیز می‌تواند به نحو جزئی صورت گیرد و فروشنده (ذی‌نفع اعتبار) بتواند با ارسال بخشی از محموله و تهیه اسناد راجع به آن بخش، فقط آن بخش از مبلغ اعتبار را که با اسناد موضوع ارائه متناسب است، دریافت کند.

### نتیجه‌گیری

۱. تعهدات مجرد، ایقاعی است که به محض تشکیل، تعهدی لازم بر عهده‌گشاینده ایجاد می‌شود. تا زمانی که گشاینده، وجه اعتبار را به ذی‌نفع نپرداخته است، هیچ حقی در برابر ذی‌نفع ندارد.
۲. تعهدات گشاینده در برابر ذی‌نفع، شامل تعهد به بررسی اسناد، تعهد به رعایت دقت و حسن نیت، تعهد به اطلاع موارد عدم انطباق به ذی‌نفع، و نهایتاً تعهد به پرداخت است.
۳. حقوقی که گشاینده با پرداخت وجه اعتبار در برابر ذی‌نفع خواهد داشت، شامل حقوق ناشی از نقض صحت، درستی، اصالت اسناد و عدم ارتکاب تقلب، از یک طرف و حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت، از طرف دیگر، می‌باشد.
۴. ذی‌نفع تا زمانی که وجه اعتبار را دریافت نکرده است، هیچ تعهدی به سبب تعهدات مجرد در برابر گشاینده یا بانک‌های ثانوی ندارد و با ارائه اسناد از سوی ذی‌نفع، و پرداخت وجه به او، تعهداتی بر ذی‌نفع تحمیل می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Notice of Discrepancies
۲. Right of Subrogation

## منابع

- آقایی فر، حسن. (۱۳۹۵) «روابط طرف قراردادهای اعتبار اسنادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.
- بنا نیاسری، ماشاله. (۱۳۹۵) *حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی)*، تهران: شهردانش، چاپ اول.
- رفیعی، محمد تقی. (۱۳۹۴) «تحلیل حقوقی قرارداد گشایش اعتبار در حقوق ایران»، فصل‌نامه اندیشه حقوقی خصوصی، شماره ۲۶.
- سلطان، محمد (۱۳۹۰) *حقوق بانکی*، تهران: میزان، چاپ اول.
- شهبازی‌نیا، مرتضی. (تابستان ۱۳۸۶) «انتقال و توثیق ضمانت نامه‌های بانکی»، مدرس علوم انسانی، شماره ۲.
- کاشانی‌زاده، هدی. (بهار و تابستان ۱۳۹۱) «اعتبار اسنادی از منظر ماهیت حقوقی»، *مجله حقوق بانکی*، سال اول، شماره ۱.
- مجموعه قوانین و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP۶۰۰).
- مسعودی، علیرضا. (۱۳۹۷) *ضمانت‌نامه بانکی در حقوق ایران و تجارت بین‌الملل*، تهران: نشر دانش، چاپ دوم.
- نصیری اقدم، رضا و پیمان دادرس. (تابستان ۱۳۹۶) «شیوه‌های پرداخت در معاملات تجاری بین‌المللی با تأکید بر اعتبارات اسنادی»، *تحقیقات خصوصی و کیفری*، شماره ۳۲.
- نیکبخت، حمید رضا و ماشالله بنا نیاسری. (تابستان ۱۳۹۰) «قابلیت ماهیت اعتبار در حقوق اعتبارات اسنادی (مطالعه‌ای در مفهوم، شرایط، آثار و ماهیت حقوقی معامله اعتبار)»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۵.
- وکیل‌زاده ثانی، حسین. (بهار و تابستان ۱۳۸۷) «بررسی ماهیت حقوقی اعتبارات اسنادی»، *گفت‌وگو حقوقی*، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۳ و ۱۴.
- Barnes, James G & James E. Byrne, (2002), «Revision of U.C.C.» Article 5.
- Boss, Amelia H. (1993) *Suretyship and Letters of Credit*, Subrogation Revisited.
- Dolan, John F. (1986), *Letter of Credit*, Article 5 Warranties, Fraud, and the Beneficiary's Certificate, 41 business lawyer.
- Dolan, John F. (1999), *A Study of Subrogation Mostly in Letter of other Abstract Obligation Transactions*.



- Mc Cormack, Gerald. (2000) Subrogation and Banker's Autonomous under tacking, *Law Quarterly Review* 121.
- Pawlowlic, Dean, (2001), *Letters of Credit: A Framework for Analysis of Transfer, Assignment, Negotiation and Transfer by Operation of Law*.
- Roy, Goode. (2001), «Abstract Payment Undertakings in International Transactions», note 47, at 3.
- Schmitthff, Clive M, (1987), «Discrepancy of Documents in Letter of Credit Transactions», *Journal of Business Law* 94.
- The American Law Institute & National Conference of Commissioners on Uniform States Law, *Uniform Commercial Code: Official Text and Comments*, 199.
- The American Law Institute, *Restatement Third of Suretyship and Guaranty*, (1986), note 765, at 113.
- Ward, Alan. (2001) *Assignment and Do cumentary Credits*, *Journal of International Banking*, 138.
- White, james J. (1996) «Rights of Subrogation in Letters of Credit Transactions», 41 *Saint Louis University Law Journal* 47, 54.